

اثر هشدار در رفع مسئولیت پلیس (با تأکید بر مقررات قانونی بکارگیری سلاح)

پرویز اکبری^۱، اصغر عربیان^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۳

چکیده

زمینه و هدف: پلیس برای حفظ امنیت اجتماعی و اجرای وظایف ذاتی خود ناگزیر از امر و نهی به دیگران و اعمال قدرت است که برخی موارد، مستلزم استفاده از سلاح گرم است. پیامد بهره‌مندی از سلاح ممکن است ورود خسارات مالی یا جانی به افراد جامعه را در پی داشته باشد در نتیجه بحث مسئولیت پلیس مطرح می‌شود. برای رفع مسئولیت پلیس یا مأموران، افزون بر عواملی مانند فرمان قانون، دستور آمر قانونی یا دفاع مشروع، به هشدار پیشگیرانه استناد می‌شود. در باب مسئولیت مدنی، هشدار می‌تواند به عنوان یک عامل مستقل در رفع مسئولیت و یک دفاع کامل مورد بررسی قرار گیرد. هدف این مقاله بازگفت قاعده هشدار و کارایی آن در رفع مسئولیت پلیس با تأکید بر پیامدهای زیان‌بار ناشی از بکارگیری سلاح و تیراندازی است.

روش: مقاله از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است و یافته‌های آن با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای و رویه محاکم دادگستری ایران است.

یافته‌ها و نتایج: رویکرد قانون‌گذار ایران اگرچه در مسیر قانونگذاری، به قاعده هشدار به شکلی که در این نوشتار ارائه می‌شود نبوده ولی در بسیاری از قوانین و آیین‌نامه‌ها به‌ویژه قانون بکارگیری سلاح برای دوری جستن از خطر، از واژه‌های هشدار و مصادیق آن بهره برده و هشداردهی را یکی از مقررات لازم در بکارگیری سلاح در نظر گرفته است؛ به طوری که در صورت رعایت آن مقررات، پلیس در استفاده از قوه قهریه و اقدام به تیراندازی نسبت به زیان وارده مسئولیتی ندارد. مبنای نداشتن مسئولیت پلیس طبق قاعده هشدار می‌تواند قطع رابطه استناد عرفی میان فعل زیان‌بار و زیان وارده باشد. در رویه دادگاه‌های دادگستری آراء فراوانی را می‌توان یافت که قاعده هشدار در کنار سایر مقررات در رفع مسئولیت پلیس و نیز برای اثبات تقصیر و مسئول دانستن اشخاص نقش کاربردی دارد.

کلیدواژه‌ها

مسئولیت، هشدار، مأمور، پلیس، تیراندازی، خسارت.

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. رایانامه:

akbari499@yahoo.com

۲. استادیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه:

a.arabian42@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

حفظ امنیت مقوله‌ای است که به وسیله قوای حاکم، به مأموران انتظامی و نظامی واگذار شده است. مأموران برای تحقق وظیفه یادشده و برپایی نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا بزهکار و یا تفتیش و کشف جرائم و اجرای احکام قضائی یا انجام سایر مأموریت‌های محوله در موارد ضروری در کنار دیگر ابزارهای برقراری نظم پایدار، از مجوز قانونی بکارگیری سلاح برخوردارند. حقوق شهروندی و بایستگی رعایت آن از سوی دولت (اصل ۲۲ قانون اساسی) اقتضاء می‌کند که قانون‌گذار محدودیت‌هایی را برای مأموران در بکارگیری سلاح معین نموده باشد تا پلیس با کنترل رفتار سازمانی و رعایت مقررات در ضمن تأمین امنیت اجتماع دستخوش مسئولیت کیفری و یا مدنی قرار نگیرد و همچنین از پیشامد حوادث منتهی به سلب حقوق شهروندان پیشگیری شود. از جمله برجسته‌ترین مقررات حاکم در زمان کنونی «قانون بکارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳» و آئین‌نامه‌های وابسته است. هرچند صرف تیراندازی بر خلاف مقررات جرم مطلق است اعم از اینکه نتیجه‌ای حاصل شود یا خیر؛ ولی شاید در نتیجه تیراندازی به دیگران خساراتی اعم از مالی یا جانی وارد شود که در اینجا بحث مسئولیت پلیس مطرح است. با نگاه اجمالی به قانون بکارگیری سلاح و مقررات مربوطه مشاهده می‌شود که قانون‌گذار در کنار عواملی مانند فرمان قانون، دستور آمر قانونی و دفاع مشروع، به هشدار نیز اشاره داشته است. در تبصره یک و دو ماده دو قانون بکارگیری سلاح به درستی هشداردهی توسط پلیس را جزء مقرراتی دانسته که در رفع مسئولیت اثرگذار است.

در بسیاری از پرونده‌های مرتبط با تیراندازی یکی از دفاعیات مأموران این است که به طرف هشدار داده ولی مخاطب اعتنایی به هشدار و ایست مأمور نکرده است. حال پرسش این است که آیا صرف دادن هشدار به تنهایی رافع مسئولیت پلیس است یا آنکه افزون بر دادن هشدار، رعایت شرط یا شرایط دیگری نیز لازم است؟ از این پرسش مهم‌تر و مبنایی‌تر این است که چرا هشدار می‌تواند سبب رفع مسئولیت مدنی از سوی عامل زیان‌شود؟ هشدار و نقش و جایگاه آن در رفع مسئولیت پلیس در هنگام استفاده از سلاح در موارد ضروری مورد بررسی

قرار می‌گیرد تا مخاطبان قانون بکارگیری سلاح اعم از مأموران و متهمان و مجرمان و مقامات قضائی و افراد دخیل در امر تعقیب و رسیدگی و صدور و اجرای احکام قضایی و دیگر افراد جامعه برای پیشگیری از وقوع پیشامدهای برآمده از تیراندازی اهتمام بایسته را داشته باشند و در صورت وقوع حادثه با تیزبینی بیشتر، جزئیات حادثه مورد بررسی قرار گرفته و حکم قضایی منصفانه و عادلانه در تشخیص مسئول حادثه صادر شود. کمبود اطلاعات روشمند درباره هشداردهی پلیس و نقش کاربردی آن که برآمده از نقص قوانین و مقررات موضوعه در باب به کارگیری سلاح توسط مأموران است و پیامدهای منفی ناشی از آن در سطح فردی و سازمانی و ملی، بایستگی انجام این‌گونه پژوهش را دوچندان می‌کند. در رابطه با پیشینه پژوهش باید گفت: باوجود ارزشمندی قاعده هشدار و کارایی آن بر مسئولیت هشداردهنده، کمتر درباره این موضوع پژوهش شده است. از جمله پژوهش‌های شایان یادآوری در این خصوص می‌توان از کتاب «قواعد فقه» نوشته دکتر مصطفی محقق داماد و کتاب «قواعد فقهیه» نوشته سید محمد بجنوردی و کتاب «جایگاه فقهی هشدار و نقش آن در مسئولیت کیفری» تألیف دکتر حمیدرضا حاجی‌زاده و حسین زینالی نسرانی و مقاله «نقش قاعده هشدار در مسئولیت مدنی» نوشته دکتر عباس میرشکاری یاد کرد که در پژوهش‌های یادشده بیشتر مسئله به صورت کلی در مورد قاعده هشدار بررسی شده است. در مقاله «مسئولیت مدنی پلیس» به قلم دکتر بختیار عباسلو مطالبی نسبتاً مرتبط در باب مسئولیت پلیس به قاعده هشدار اشاره شده است. در مجموع پژوهش مستقلی در این رابطه انجام نشده و خلأ پژوهشی با توجه به نقش هشدار در امر به کارگیری سلاح چشم‌گیر است؛ از این‌رو در پژوهش پیش رو کوشش شده تا قاعده یادشده به گونه اختصاصی درباره پلیس و نیروهای انتظامی اعمال شود. نظر به اینکه هشداردهی در امر بکارگیری سلاح توسط پلیس از اهمیت خاصی برخوردار است؛ به طوری که عدم اطلاع از قواعد و مقررات مربوطه واجد پیامدهای منفی فراوانی است که در بیشتر پرونده‌های محاکماتی ملموس است؛ اما باوجود اهمیت موضوع درخصوص نحوه اعمال قاعده هشدار در مورد نیروی انتظامی پژوهش مستقل و خاصی انجام نشده است. بنابراین طرح

این مسئله و تلاش برای پیدا کردن راه حل برای این موضوع برای اولین بار در این پژوهش مورد اهتمام قرار گرفته است.

مبانی نظری

۱- **ماهیت هشدار:** هشدار عبارت است از؛ توجه دادن به اشخاص در معرض خطر نسبت به فاعل فعل مشروع خطر آفرین و قاعده هشدار نیز برای رفع ضمان از چنین هشداردهنده‌ای تشریح شده است. هشدار در واقع آگاه‌سازی عامل زیان به زیان‌دیده محتمل، از وقوع احتمالی ضرر است به طوری که از سوی زیان‌دیده اقدامی برای رفع ضرر صورت نمی‌گیرد (میرشکاری، ۱۳۹۰: ۶۹). هشدار همان اعلان به موقع خطر و آگاهی دادن افراد نسبت به وضعیت خطرناک است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۷۶). در حقوق آمریکا در معنی هشدار گفته‌اند؛ «هشدار در واقع از پیش گفتن خطر ذاتی در یک فعالیت مشخص است» (جامپیون، ۱۳۸۸: ۲۴۲). در قوانین موضوعه ایران هشدار تعریف نشده و به‌عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت مطرح نشده است (عباسلو، ۱۳۸۵: ۶۱)، ولی مقنن مصادیقی از هشداردهی را بازگو کرده است. در قانون بکارگیری سلاح از مصادیق هشداردهی باعناوین «اخطار مأموران» (بند ۹ ماده ۳)، «اخطار قبلی» (تبصره ۱ ماده ۳)، «تیر هوایی» (بند الف تبصره ۳ ماده ۳)، «اتمام حجت» (بند ب ماده ۴)، «وسایل هشداردهنده به اندازه لازم اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان» (تبصره ۱ ماده ۶) و «صدای رسا و بلند» (تبصره ۲ ماده ۶) «دو مرتبه اخطار ایست» (ماده ۷۵ آیین‌نامه پاسداری نیروی مسلح مصوب ۱۳۶۰) «سه مرتبه اخطار ایست» (ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بند ۵ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح و ماده ۳۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴) نام برده شده است. یکی از مستندات حجیت هشدار از ناحیه فقهای امامیه، روایت صحیح ابوالصباح کنانی از امام صادق علیه‌السلام است^۱. آنجا که امام علی (علیه‌السلام) کودک پرتاب کننده فلاخن را به لحاظ هشدار قبل از اصابت نسبت به همبازی‌اش، از ضمان و قصاص

۱- «كَانَ صَبِيًّا فِي زَمَانِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُلْعَبُونَ بِأَخْطَارٍ لَهُمْ - فَرَمَى أَحَدُهُمْ بِخَطَرِهِ فَدَقَّ رِجْلَهُ صَاحِبِهِ - فَرُفِعَ ذَلِكَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَقَامَ الرَّأْيِيَّ الْبَيْتَةَ - بِأَنَّهُ قَالَ خَذَارٌ فَدَرَأَ عَنْهُ الْقِصَاصَ - ثُمَّ قَالَ قَدْ أَعْدَرَ مَنْ خَذَرَ»

مبرا اعلام و فرمود: آن کسی که هشدار می‌دهد معذور است (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۶۹؛ کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۳۳۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۲۰۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ۱۰۲).

۲- انواع هشدار به اعتبار ابزار هشدار: هشداردهنده برای آگاهی مخاطب از خطر احتمالی از ابزارهایی بهره می‌گیرد. چون هر ابزاری برای یک یا چند مورد خاص کاربرد دارد؛ بنابراین هشدار به اعتبار وسیله هشدار به سه گونه اصلی (شنیداری، دیداری و عملی) تقسیم می‌شود. تقسیم‌بندی یادشده دارای پیشینه در حقوق اسلامی است. برخی از فقهاء گونه‌های هشدار را به گفتاری و نوشتاری و عملی بیان داشتند (سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ۱۱۷).

۲-۱- هشدار شنیداری یا سمعی: در این گونه از هشدار، هشداردهنده در راستای انجام تکلیف خود به آگاه‌سازی مخاطب، از آواها استفاده می‌کند به طوری که مخاطب هشدار با قوه شنوایی، هشدار را دریافت می‌کند. در برخی مواقع از راه سخن گفتن با بانگ رسا و بلند مانند فریاد زدن و یا با ابزارهایی در حکم سخن گفتن با بانگ رسا، استفاده می‌شود مانند آژیر صوتی و یا شلیک تیر هوایی و هم چنین بوق وسیله نقلیه و زنگ دوچرخه. بند الف تبصره ۳ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح که تیر هوایی را قبل از اقدام به تیراندازی عنوان می‌کند در واقع یک هشدار شنیداری را بیان می‌دارد. در ماده یادشده می‌خوانیم: «مأموران مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً چاره‌ای جز بکارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان مراتب الف: تیر هوایی ب: تیراندازی کمر به پایین ج: تیراندازی کمر به بالا را رعایت کنند». معمولاً در مواقع بروز آشوب و شورش موضوع ماده‌های ۴ و ۵ قانون بکارگیری سلاح هشدار توسط مأموران یا فرمانده آنان با استفاده از بلندگو صورت می‌گیرد که یک هشدار شنیداری است.

۲-۲- هشدار دیداری یا بصری: در هشدار دیداری، هشداردهنده برای آگاه‌سازی و جلوگیری از خطر، وسایل و علائمی به کار می‌گیرد که مخاطب هشدار با دیدن آن علائم از وجود خطر احتمالی آگاهی می‌یابد؛ مانند تابلوها و انواع رنگ‌ها و نیز برجسب‌هایی با محتوای اختصار. در بند خ ماده ۵۵ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۴ درباره چراغ‌های وسایل نقلیه و یدک‌کش‌ها و تراکتورها، هشدار دیداری را به این شیوه بیان می‌دارد که «دو چراغ

چشمک‌زن در جلو و دو چراغ چشمک‌زن در عقب که به‌طور هم‌زمان برای اعلام هشدار، احتیاط و یا خطر به رانندگان دیگر بکار برده می‌شود». چراغ‌های گردان یادشده در تبصره ۱ ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح یک هشدار دیداری به حساب می‌آید.

۲-۳- هشدار عملی یا فعلی: در هشدار عملی، هشداردهنده برای آگاه‌سازی و اطلاع دادن به مخاطب نسبت به خطر احتمالی از افعال و اعمال استفاده می‌کند؛ مانند جلوگیری پلیس از ورود افراد به منطقه نظامی. البته نباید واژه مانع را با هشدار عملی اشتباه گرفت. در هنگام عملیات پلیسی در منطقه خاص معمولاً با نصب نرده و یا طناب کشی، مانع ورود افراد به منطقه خطر می‌شوند که در این مورد صرف مانع شدن، هشدار عملی نیست بلکه باید در کنار آن علائم هشداردهنده نصب شود؛ به عبارت دیگر مانع می‌تواند در زمره وسایل هشدار تلقی شود و برای موثر واقع شدن هشدار ایجاد مانع در عرف لازم باشد؛ اما صرف ایجاد مانع تا هنگامی که با علائم هشدار همراه نباشد، هشدار نیست. قانون‌گذار در ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح راجع به تیراندازی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آن‌ها اهمیت زیادی قائل شده است به طوری که در کیفیت هشداردهی از هر سه نوع هشدار دیداری و شنیداری و عملی استفاده کرده است. در هشدار عملی فرد هشداردهنده می‌تواند در محل حضور داشته و مستقیم هشدار شنیداری یا دیداری بدهد.

پرسشی که در اینجا می‌توان مطرح کرد این است که آیا انواع هشدار به اعتبار وسیله هشدار منحصر به قولی و کتبی و فعلی است؟ به نظر می‌رسد؛ با توجه به پیشرفت فناوری و گونه‌های مختلف خطر نمی‌توان وسایل هشداردهنده را محصور به دیداری و شنیداری و عملی کرد. هشدار دادن می‌تواند به وسیله رسانه‌ها و اینترنت و نامه‌های شخصی و ایمیل و... صورت گیرد. مثلاً در مواردی که مخاطبان هشدار، افراد نابینا باشند می‌توان هشدار لمسی (پساوایی) را پیش-بینی کرد. یا به تناسب موضوع می‌توان از هشدارهای الکترونیکی مرتبط با سیستم‌های عصبی استفاده کرد؛ مثلاً در بعضی از فعالیت‌های پلیس، اخطار و هشدار می‌تواند به صورت انتقال جریان برق ضعیف به بدن مظنون با عملکرد لرزشی و شک‌های عصبی^۱ باشد. بنابراین

در مجموع می‌توان گفت وسیله هشدار منحصر به موارد سه‌گانه یادشده نبوده بلکه طبق مقتضیات عرفی قابل تغییر است.

۳- مبانی رفع مسئولیت در تیراندازی پلیس

۳-۱- سببیت (اقوی بودن سبب از مباشر): قاعده تسبیب به‌عنوان مستند قاعده هشدار بیان شده است، بدین معنی که سبب ورود خسارات، خود شخص خسارت‌دیده و مباشر آن، خسارت‌زننده است زیرا خسارت‌دیده با وجود درک هشدار اقدام به ورود به محل خطر کرده، مقصر است و انتساب خسارت به او اقواست و در نتیجه این مورد از مواردی است که در آن سبب اقوا از مباشر است (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ۲۳۹)؛ به عبارت دیگر قاعده هشدار براساس اصل عقلانی سبب و مباشر است که مخاطب هشدار به‌علت بی‌توجهی به هشدار و اقدام در ورود به منطقه خطر، نسبت به مباشر تلف، اقوا محسوب می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ۲۴۲). گاهی در وقوع حادثه و ایجاد تلف، سبب و مباشر اجتماع می‌کنند که در این صورت مسئولیت متوجه مباشر است چون در این صورت استناد به مباشر نیرومندتر از استناد به سبب است (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ۱۸۶)؛ در صورت مساوی بودن سبب و مباشر و یا در صورت اقوی بودن مباشر، مسئولیت متوجه مباشر است ولی اگر سبب از مباشر قوی‌تر باشد، مسبب ضامن خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ۱۴۵). از این رو قاعده هشدار مبتنی بر اصل عقلانی سبب و مباشر است و از آنجا که فردی که نسبت به او هشدار داده شده و با بی‌اعتنایی، خود را در معرض خطر قرار داده است، سبب اقوی محسوب می‌شود.

۳-۲- قاعده اقدام: قاعده اقدام این است که هر کس نسبت به مال خود و به ضرر خود اقدامی کند، کسی به نفع او مسئولیتی ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۷۰)؛ به سخن دیگر هرگاه مالک که شرعاً دارای سلطه و احترام در مال خود است احترام مال خود را از میان ببرد و سلطه خویش را اسقاط کند، ضامن آن مال ساقط می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۹۱، ۹۴) لذا گفته شده؛ یکی از موارد استناد فقهاء به قاعده اقدام، «اقدام شخص بر ضرر مال خود یا جان و اعضا و جوارح خود با وجود هشدار و تحذیر و رسیدن هشدار به وی و امکان فرار وی» است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۸، ۸۵). به‌هر حال آنانی که رافعیت ضامن از عامل زیان را بر مبنای

مفاد قاعده اقدام می‌دانند در واقع فعل مخاطب هشدار را ملاک تشخیص قرار می‌دهند و به جای عمل عامل زیان (هشداردهنده)، اقدام وی را سبب رفع مسئولیت از عامل زیان در نظر می‌گیرند. در تیراندازی مأموران پلیس همیشه نمی‌توان قاعده اقدام را مبنای قاعده هشدار برای رفع مسئولیت پلیس دانست زیرا قاعده اقدام در صورتی است که مخاطب هشدار با علم و اطلاع از هشدار بدان توجه نکرده و در واقع تقصیر کرده باشد اما با توجه به ماده ۱۶ قانون بکارگیری سلاح و ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و تبصره همین ماده اخیر، در فرضی که مأمور پلیس مطابق مقررات که از جمله این مقررات هشدار به موقع است تیراندازی کرده ولی مقتول و یا مصدوم مقصر نباشد در این صورت دیه را سازمان نظامی فرد تیرانداز (بیت‌المال) پرداخت می‌کند یعنی در فرض اخیر شاید کسی علیه خودش اقدامی نکرده باشد.

۳-۳- قطع رابطه استناد: بر پایه این دیدگاه، رابطه سببیت میان ضرر و عامل زیان بر پایه معیار سببیت از پیش وجود دارد ولی عامل دیگری (هشدار مناسب و بی‌توجهی مخاطب هشدار) وارد می‌شود و رابطه سببیت میان عمل عامل را با ضرر وارده از میان می‌برد. به طوری که گویی از آغاز این رابطه وجود نداشته است. بی‌گمان این قطع رابطه استناد با انتفای رابطه سببیت متفاوت است. چرا که در انتفاء رابطه سببیت، اساساً این رابطه از آغاز وجود ندارد؛ ولی در انقطاع رابطه سببیت، رابطه سببیت وجود دارد وانگهی عاملی آن رابطه را قطع می‌کند. در وقوع یک پدیده منجر به خسارت، عوامل فراوانی می‌تواند دخیل باشد؛ ولی آنچه مهم است و می‌تواند مبنا باشد همان انتساب ضرر به عامل زیان است. عامل زیان با عمل زیان آور (فعل یا ترک فعل) ایجادکننده زیان است و رابطه سببیت عرفی میان فعل عامل ظاهری زیان و ضرر وجود دارد ولی مخاطب هشدار با ارتکاب عمل از نوع ترک فعل و تقصیر، این رابطه سببیت بین عامل زیان و ضرر را قطع می‌کند؛ که در واقع مبنای عدم مسئولیت هشداردهنده و به دنبال آن توجه مسئولیت به مخاطب هشدار، عمل هشداردهنده است که با جمع شرایط، باعث انقطاع رابطه سببیت میان عامل زیان و ضرر شده است. در حقوق کشورهای عربی در بحث تقصیر زیان‌دیده (خطأ المضرور) در بعضی از فروضات به علت قطع رابطه سببیت، زیان‌دیده به صورت کلی مسئول تلقی می‌شود. (السنهوری، ۱۴۱۴ ق،

۸۸۱). در حقوق فرانسه نیز در بعضی از مواقع تقصیر زیان دیده باعث رفع کامل مسئولیت عامل زیان می‌باشد و در توجیه آن، قطع رابطه انتساب را مطرح می‌کنند. «این تقصیر (تقصیر زیان دیده) سبب انحصاری خسارت بوده است که رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار خواننده و زیان را قطع کرده است» (وینی و ژوردن، ۱۳۸۴، ۳۴۸).

۴- شرایط هشدار: برای قانونی بودن هشدار شرایطی لازم است و این شرایط در قابلیت اعمال قاعده هشدار مدخلیت دارد؛ به طوری که اگر شرایط هشدار وجود نداشته باشد، هشداردهنده از مسئولیت مبرا نمی‌شود. از این رو، بررسی این شرایط حائز اهمیت است:

۴- ۱- تناسب هشدار با خطر^۱ (هشدار موثر باشد): در روایت امام صادق (علیه السلام) و حکمت حضرت علی (علیه السلام)، هشدار به صورت فریاد زدن یعنی هشدار شنیداری (صوتی) بوده است؛ اما هشدار شنیداری و یا صوتی در روایت یادشده موضوعیت ندارد؛ بلکه این عرف است که با توجه به نوع اتفاق و حادثه، نوع و کیفیت هشدار لازم را مشخص می‌کند. (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق، ۶۵۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ۳۴۱؛ حائری طباطبائی، ۱۴۱۸ ق، ۲۷۷) در واقع هشدار موثر محسوب می‌شود که در آن عوامل مکانی، زمانی، موضوع خطر، شدت آن و هم‌چنین نوع مخاطبان در نظر گرفته شده و متناسب با آن عوامل صورت گیرد. در تیراندازی متعاقب هشدار لازم است توالی بی‌توجهی فرد به هشدار پلیس در نظر گرفته شده و در صورتی که خسارت یا عواقب آن ملازمه با نتایج تیراندازی نداشته باشد، تیراندازی را مسجل نمی‌کند ولو اینکه هشدار قانونی باشد. قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۶ راجع به بکارگیری علائم هشداردهنده در خصوص تیراندازی به سوی وسایل نقلیه با قید وسایل هشداردهنده به اندازه لازم به شرط تناسب هشدار با خطر التفات داشته و ذکر وسایل هشداردهنده مانند موانع، تابلو و چراغ گردان نیز حصری نبوده بلکه تمثیلی است و مأموران با در نظر گرفتن شرط تناسب باید از وسایل هشداردهنده متعارف استفاده کنند. طبق مقررات بکارگیری سلاح تناسب هشدار با رعایت ترتب وسایل هشداردهنده است مانند ماده ۳۳

1 - The effectiveness of warning

آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ که راجع به وظیفه نگهبان زندانی در امر تعقیب و دستگیری زندانی فراری بیان می‌کند ابتدا با صدای رسا و بلند ایست می‌دهد و بعد در صورت متوقف نشدن تیر هوایی شلیک می‌کند و اگر مأمور ابتدا تیر هوایی شلیک کند بعد با صدای بلند ایست بدهد و ترتیب رعایت نشود به علت رعایت نکردن مقررات مسئول شناخته می‌شود.

۴-۲- **مشروعیت فعل هشداردهنده (عمدی نبودن عمل زیان‌بار):** صرف

هشدار مؤثر و اعلام خطر باعث رفع مسئولیت هشداردهنده نیست بلکه عمل هشداردهنده باید قانونی و مشروع باشد. هشدار در کارهای نامشروع و غیرقانونی مؤثر در انتفای مسئولیت نیست؛ بنابراین، در قاعده هشدار نخست هشداردهنده نباید قاصد و عامد به ایراد صدمه و خسارت باشد هرچند که ابتدا نیز هشدار لازم را داده باشد. دوم این که دریافت‌کننده هشدار خود را وارد معرکه کند؛ اعم از این که این اقدام او ناشی از عمد یا تسامح باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۸، ۱۲۸) کسی که به عمد و با قصد به دیگری صدمه می‌زند و یا موجب ایراد خسارت به اموال دیگری را فراهم می‌کند، عمل او از مصادیق فعل غیرقانونی و نامشروع می‌باشد. در قوانین و مقررات بکارگیری سلاح اگر تیراندازی مأمور غیرضروری و غیرقانونی باشد اساساً رعایت شرایط هشدار، در رفع مسئولیت کارا نیست، مؤید آن رأی اصراری دیوان عالی کشور به شماره ۱۰-۱۳۸۳/۸/۱۲ است که طبق آن مأموری که پس از تیراندازی هوایی و تعقیب و گریز اقدام به دستگیری متهم کرده و به عمد اقدام به تیراندازی به شقیقه مقتول کرده را از مصادیق قتل عمدی تشخیص و حکم قصاص مأمور را تأیید کرده است.

۴-۳- **تقدم هشدار بر عمل زیان‌بار:** برای اعمال قاعده هشدار ضرورت اخطار پیش

از وقوع حادثه اجتناب‌ناپذیر است. تقدم و ترتیب یک امر عقلی و قانونی است زیرا هشدار بعدی اثری در عمل انجام‌شده ندارد. هشدار پس از وقوع حادثه، اگرچه ممکن است در جلوگیری از تشدید خسارت مؤثر باشد ولی در اصل مسئولیت عامل زیان، ویژگی اثربخشی ندارد. قانون‌گذار در بند ب ماده ۴ قانون بکارگیری سلاح، به صراحت به شرط هشدار قبل از اقدام به تیراندازی نظر داشته و مقرر می‌دارد: «قبل از بکارگیری سلاح با اخلال‌گران و

شورشیان نسبت به بکارگیری سلاح اتمام حجت شده باشد». اتمام حجت کردن به نوعی اخطار کردن و گوشزد کردن عواقب و مجازات و نوعی هشدار محسوب می‌شود مأموران در این فرض باید به صراحت به شورشیان اخطار دهند که در صورت پراکنده نشدن از سلاح گرم استفاده می‌شود و عواقب آن با خودشان است. همچنین اخطار قبلی موضوع تبصره ۱ ماده ۳ و استفاده از وسایل هشداردهنده موضوع تبصره ۲ ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح نیز در مقام بیان شرط یاد شده است.

۴-۴- وصول هشدار به مخاطب (امکان درک خطر): اطلاع زیان‌دیده از مفاد هشدار یکی از شرایط لازم برای رفع مسئولیت عامل زیان است. اصل رافعی هشدار است؛ ولی شنیدن زیان‌دیده در تحقق هشدار شرط است. (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۴۸) علامه حلی رفع ضمان عامل زیان را مشروط به شنیدن مخاطب هشدار می‌داند (علامه حلی، ۱۴۲۰ ق، ۵۳۴)؛ به این معنی که اگر ثابت شود تیرانداز گفته باشد حذار (بپرهیز) و مصدوم شنیده باشد، ضامن نیست. در تبصره ۲ ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح، قانون‌گذار با استفاده از کلمات «صدای رسا و بلند» در صدد بیان شرط یاد شده است که هدف از هشدار، توقف وسیله نقلیه است و این امر مستلزم شنیدن و استحضار راننده خودرو است و البته به علت ابهام در قانون، در بسیاری از پرونده‌های مطروحه، بیشتر رانندگان منکر شنیدن صدای ایست مأموران می‌شوند و باید معیار و مقیاس مشخصی برای این موضوع در نظر گرفت. به هر حال پلیس باید به اندازه توان خود، اطمینان حاصل کند که فرد مظنون قادر به شنیدن و درک هشدار است زیرا تیراندازی به عنوان آخرین گزینه است که باید با نهایت هشدار صورت گیرد.

۴-۵- امکان فرار و چاره‌جویی (امکان ترک خطر): شهید ثانی به شرط یاد شده اشاره دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ۱۲۰)، براساس نظر یاد شده، اگر عامل زیان هشدار ندهد و هشدار به موقع نباشد و برای مخاطب هشدار امکان اجتناب از خطر وجود نداشته باشد و یا زیان‌دیده هشدار را نشنیده باشد، مسئولیت عامل زیان باقی است. فخرالمحققین در این باره می‌گوید: اگر ثابت شود که هشدار داده و مخاطب هم شنیده و امکان فرار هم داشته، هشداردهنده ضامن نیست (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ ق، ۶۵۹)؛ برخی دیگر نیز، «تمکن از عدول»

را به عنوان یکی از شروط معافیت مسئولیت عامل زیان در قاعده هشدار برشمرده‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ق، ۲۴۳؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۳، ق، ۸۵؛ حائری طباطبائی، ۱۴۱۸، ق، ۲۷۸). برخی از فقهاء ممکن بودن عدول از خطر را به کمال عقل و بلوغ مخاطب هشدار تسری داده‌اند (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ق، ۲۵۲)، بدین معنی که امکان اجتناب از خطر و امکان رهایی و چاره‌جویی، در برخی مواقع ناظر به وضعیت مخاطب هشدار است؛ بنابراین اگر مخاطب هشدار به‌علت جنون و یا کودکی، قدرت و توانایی لازم را برای اجتناب از خطر نداشته باشد و در نتیجه متحمل زیان شود در این صورت عامل زیان اگرچه هشدار لازم را داده باشد از مسئولیت مبری نمی‌شود. در نظریه مشورتی شماره ۷/۸۰۰-۷/۱۳-۸۸/۲/۱۳ اداره حقوقی قوه قضاییه به شرط امکان ترک خطر اشاره دارد. «تله میخی در زمره وسایل هشداردهنده مقرر در تبصره ۱ ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح نیست، زیرا راننده زمانی متوجه آن می‌شود که امکان توقف ارادی نیست و می‌تواند باعث واژگون شدن وسیله نقلیه شود». اگر گروگان‌گیر گروگانی را در دست دارد ولی با هشدار پلیس نمی‌تواند او را رها کند زیرا ممکن است رهاکردن او باعث سقوط وی شود در اینجا بین دو محذور قرار گرفته و باید امکان رهاکردن بدون تالی فاسد برای او مهیا باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش، با توجه به ویژگی خاصی که در پژوهش‌های فقهی و حقوقی در زمینه نظری وجود دارد؛ روش پسندیده در پژوهش‌های یادشده، روش تحلیلی، توصیفی است و در این پژوهش نیز همین روش به کار رفته است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از کتب، مجلات، مقالات و آرای محاکم قضایی است و در این راستا قوانین موضوعه مربوطه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

۱- در مبنای رفع مسئولیت پلیس در بکارگیری سلاح طبق قاعده هشدار: در میان نظرات ارائه شده در مبنای قاعده هشدار، دامنه نظریه (قطع رابطه استناد) از نظر گسترده‌گی،

وسیع تر است و با دیگر نظرات ارائه شده در مبنای حجیت هشدار مانند قاعده اقدام، تسبیب همخوانی دارد. در قاعده اقدام که یکی از قواعد مسقط ضمان به شمار می رود و علت سقوط ضمان، اقدام زیان دیده به ضرر خویش است؛ به راستی قطع رابطه سببیت میان زیان و عامل زیان صورت گرفته است و عرف زیان را مستند به مخاطب هشدار می داند. دادگاه شعبه دوم نظامی در یکی از پرونده ها که طی آن تیراندازی مأمور منتهی به فوت شخص شده بود با این استدلال که علائم هشداردهنده در محل مستقر شده بود و مأمور با رعایت مقررات مربوط به تیراندازی از جمله هشدارهای قانونی موضوع ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح را رعایت کرده و در واقع بی توجهی به هشدار از ناحیه مقتول را اقدام علیه خود تشخیص داده و مقرر می دارد «بی توجهی وی به اخطارهای مأموران و تیراندازی هوایی آنان در دو مرحله از مصادیق بارز قاعده فقهی اقدام بر علیه خود تلقی می شود که سبب قطع رابطه علیت و سببیت بین فعل واقع شده (یعنی تیراندازی مأموران) و نتیجه حاصله مجروحیت و فوت وی است»^۱. از این رو قطع رابطه استناد عرفی می تواند به عنوان مهم ترین مبنای رفع مسئولیت عامل زیان در قاعده هشدار تلقی شود. از مفاد ماده ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی که مقرر می دارد: «در کلیه موارد هرگاه جنایت منحصرأ مستند به عمد و یا تقصیر مجنی علیه باشد ضمان ثابت نیست...» می توان همین نتیجه را اقتباس کرد. قاعده هشدار در نظام حقوقی اسلام، یکی از عواملی است که با قطع رابطه سببیت میان فعل زیان بار و ضرر وارده، عامل ظاهری زیان را کلاً از جبران خسارت معاف می کند.

۲- در کیفیت رفع مسئولیت پلیس در بکارگیری سلاح طبق قاعده هشدار:

قاعده هشدار یکی از قواعد کاربردی در عرصه حقوق مسئولیت است و با تحقق شرایط پیش گفته، هشداردهنده مبرا از مسئولیت است. با توجه به مقررات قانونی بکارگیری سلاح توسط پلیس، پرسش این است که آیا صرف هشدار واجد شرایط، موجب رفع مسئولیت پلیس در تیراندازی است؟ به نظر می رسد؛ طبق تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ آنجا که آمده «چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد

مرتکب از مجازات و پرداخت دیه و خسارت معاف خواهد بود...»، در واقع یکی از این مقررات، هشداردهی در مواقع یادشده در قانون است. در یکی از آرای دیوان عالی کشور آمده است:^۱ «با توجه به اظهارات همراهان مقتول و اصابت شش تیر به خودروی حامل مقتول و مجروح حادثه که دقیقاً معادل تعداد تیرهایی است که متهم شلیک کرده است و مؤید شلیک نشدن تیر اخطار هوایی و در نتیجه رعایت نکردن مقررات تیراندازی است، اعتراض معترض را وارد دانسته، دادنامه تجدیدنظرخواسته را نقض... می‌شود». هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی اصراری شماره ۸-۱۳۸۱/۷/۹ چنین انشای رأی کرد که: «چون متهم (مأمور تیرانداز) رعایت شرایط و ترتیبات پیش‌بینی‌شده در قانون نحوه بکارگیری سلاح را کرده است، تیراندازی وی خلاف مقررات نبوده و بر این اساس محکومیت به پرداخت دیه و جزای نقدی توجیه ندارد». بحث دیگری که می‌توان مطرح کرد این است که قانون‌گذار مواردی از انواع هشدار مانند هشدار سمعی یا بصری یا عملی را در مقررات بکارگیری سلاح پیش‌بینی کرده است آیا علاوه بر آن، شرایط پیش‌گفته قاعده هشدار هم لازم است یا خیر؟ به نظر می‌رسد پاسخ مثبت باشد؛ البته بعضی از شرایط به عنوان مصادیق در خود قانون به صراحت آمده است. در تبصره ۳ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح با قید «تیر هوایی» در صدد بیان هشدار قبل از تیراندازی است؛ یعنی با این هشدار به مخاطب می‌فهماند که مأمور مسلح است و در صورت اجابت نکردن، دستور تیراندازی صورت می‌گیرد این یک هشدار شنیداری محسوب می‌شود. حال اگر محل تیراندازی در جای مسقف مانند مترو یا داخل هواپیما باشد و امکان شلیک تیر هوایی نباشد در این صورت مأمور باید به طرق مقتضی هدف قانون‌گذار در هشداردهی را به مخاطب تفهیم کند. البته تشخیص نوع هشداردهی در این موارد به عرف بر می‌گردد و هرچه مأموران در این زمینه آموزش و تجربه داشته باشند در هشداردهی موفق‌تر عمل می‌کنند. در صورتی که مأمور پلیس به حکم قانون و یا امر قانونی یا دفاع مشروع اقدام به تیراندازی می‌کند باز هم مکلف به رعایت قاعده هشدار است؛ زیرا با توجه به فلسفه هشداردهی و اینکه قانون‌گذار پس از بیان موارد ده‌گانه بکارگیری سلاح در ماده ۳ قانون

بکارگیری سلاح در تبصره ۱ به لزوم اخطار قبلی (هشدار) تأکید دارد. در تبصره یادشده آمده است؛ «در موارد فوق در صورت اقتضای شرایط، اخطار قبلی الزامی است» و در تبصره ۳ ماده ۳ نیز مقنن رعایت هشدار (تیر هوایی) را در کلیه موارد مندرج در قانون بکارگیری سلاح لازم دانسته است. بنابراین ممکن است مأموری تمام شرایط دفاع مشروع را رعایت کند ولی به علت ندادن هشدار به موقع، مسئول دانسته شود و دلیل آن است که هشدار نیز یکی از مقررات بکارگیری سلاح شمرده می‌شود و رعایت آن با جمع شرایط قاعده هشدار لازم است. در بحث آمر و مأمور نیز رعایت قاعده هشدار لازم است ولی پرسش اینجاست که آیا وظیفه هشداردهی ناظر به آمر است یا مأمور؟ با توجه به این که یکی از مبانی قاعده هشدار، قطع رابطه استناد است و طبق این نظر، رابطه سببیت میان ضرر و عامل زیان بر پایه معیار سببیت از پیش وجود دارد ولی عامل دیگری (بی توجهی مخاطب به هشدار جامع شرایط) وارد می‌شود که با شرایط ویژه، رابطه سببیت میان عمل عامل زیان را با ضرر از بین می‌برد و با وجود رابطه سببیت عرفی میان فعل عامل ظاهری زیان و ضرر، مخاطب هشدار با ارتکاب عمل از نوع ترک فعل و تقصیر، این رابطه سببیت بین عامل زیان و ضرر را قطع می‌کند؛ در واقع مبنای نداشتن مسئولیت هشداردهنده و به دنبال آن مسئولیت مخاطب هشدار، عمل مخاطب هشدار است که باعث انقطاع رابطه سببیت میان عامل زیان و ضرر شده است. بنابراین فرقی نمی‌کند که عمل هشداردهی توسط عامل زیان یا شخص ثالث صورت گیرد. با جستجو در قوانین جاریه، ما موارد زیادی از هشدارهای قانونی پیدا می‌کنیم که هشداردهنده شامل اداره‌ها و مراجع دولتی یا خصوصی مانند اداره راه و ترابری و شهرداری یا راهنمایی و رانندگی هستند. با این حال اصل این است که هشدار با رعایت شرایط آن توسط مأموری که اقدام به تیراندازی می‌کند صورت گیرد ولی در مواقعی که هشدار توسط آمر مافوق مأمور به درستی داده شود این هشدار رافع مسئولیت مأمور تلقی می‌شود.

بعضی از اشخاص و مأموران مسلح مشمول قانون بکارگیری سلاح نیستند. (مفهوم مخالف ماده ۱ قانون بکارگیری سلاح و تبصره یک آن و ماده ۱۶ دستورالعمل خدمتی یگان حفاظت محیط زیست، مصوب ۱۳۷۵)؛ این افراد مکلف‌اند در هنگام تیراندازی اصول کلی و مشترک

از جمله شرایط قاعده هشدار را رعایت کنند در واقع رعایت قاعده هشدار همانند اصول مشترک دیگر مانند اصل ضرورت و تناسب از ناحیه کلیه اشخاص لازم است چه اینکه مشمول قانون بکارگیری سلاح باشند یا خیر. ولی تفاوت در این است که مأموران مشمول قانون بکارگیری سلاح علاوه بر شرایط عمومی قاعده هشدار باید به شرایط اختصاصی هشداردهی مصرح در مقررات بکارگیری سلاح نیز اهتمام داشته باشند. مطلب دیگر قابل بحث این است که بار اثبات دلیل با عامل ظاهری زیان (مأمور پلیس) است یا زیان‌دیده؟ اصل، هشدارندادن است و مدعی قاعده هشدار برای رفع مسئولیت خود باید دلیل ارائه کند. دلیل برای اثبات امر مثبت یا وجودی به دادگاه داده می‌شود؛ اصل با کسی است که وجود را انکار می‌کند. در این رابطه یکی از فقهاء در ضمان تیرانداز و تولید اختلاف، به خاطر اصالت هشدارندادن و اصل نبود شرایط، قول زیان‌دیده را حجت دانسته و بار اثبات دلیل را با تیرانداز دانسته است (حسینی شیرازی، ۱۴۰۷ ق، ۱۱۰). در مواردی که اختلاف شود که آیا مأمور در هنگام تیراندازی به وظیفه خود مبنی بر هشداردهی عمل کرده یا خیر و اینکه با فرض هشداردهی آیا شرایط هشدار را رعایت کرده یا خیر؟ بار اثبات بر دوش مأمور است و باید با ادله قانونی آن را اثبات کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مطالب بیان‌شده نتایج و پیشنهادهای زیر را می‌توان برشمرد:

۱- با بررسی مقررات قانونی بکارگیری سلاح می‌توان استنباط کرد که شرط دادن هشدار لازم (تحدیر) یک شرط مشترک یا کلی محسوب می‌شود به طوری که احراز شرط یادشده در همه موارد بکارگیری سلاح توسط مأموران لازم و ضروری است و بار اثبات دلیل نیز با مأمور به کارگیرنده سلاح است.

۲- مأموران پلیس قبل از اقدام به تیراندازی باید در مورد بکارگیری سلاح با طرف مقابل با هشداردهی مناسب اتمام حجت کنند و در مقام هشداردهی باید شرایط هشدار (متناسب بودن هشدار با خطر، مشروع بودن عمل زیان‌بار، تقدم هشدار بر ضرر، امکان درک خطر و امکان

ترک خطر) را کاملاً رعایت کنند به نحوی که هشدارگیرنده علم و اطلاع یابد که اگر به هشدار مأمور توجه نکند، به طرف او تیراندازی خواهد شد.

۳- قانون گذار علاوه بر اینکه رعایت قاعده هشدار را در موضوع بکارگیری سلاح ضروری دانسته بلکه در بعضی مواقع با توجه به ویژگی های خاص هشدارگیرنده یا موقعیت خاص مانند بکارگیری سلاح به منظور متوقف کردن وسیله نقلیه متحرک هشدار را به شکل خاص در نظر گرفته است (تبصره های ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح).

۴- هر چند قاعده هشدار با جمع شرایط آن، هشداردهنده را از مسئولیت کیفری و مدنی معاف می کند ولی در خصوص بکارگیری سلاح توسط پلیس، در صورتی قاعده هشدار کارآ است که سایر مقررات بکارگیری سلاح کاملاً رعایت شود؛ مأمورانی که با رعایت مقررات قانونی، مبادرت به بکارگیری سلاح کنند از این جهت هیچ گونه مسئولیت جزایی و مدنی نخواهند داشت.

۵- با توجه به اهمیت و نقش کاربردی قاعده هشدار؛ قانون گذار باید در تدوین قوانین و مقررات بکارگیری سلاح توسط پلیس در بیان جزئیات و شرایط عمومی و اختصاصی قاعده هشدار در متن قانون اهتمام بیشتری کند تا برای پیشگیری جرائم و نیز تشخیص مسئول حادثه گام مؤثری برداشته شود. برای رفع خلأ قانونی عبارت زیر به عنوان اصلاحیه قانون بکارگیری سلاح پیشنهاد می شود. «در صورت اعلام هشدار از سوی پلیس به نحوی که هشدارگیرنده علم و اطلاع یابد که اگر به هشدار مأمور توجه نکند، به طرف او تیراندازی خواهد شد به شرط متناسب بودن هشدار با خطر، مشروع بودن عمل زیان بار، تقدم هشدار بر ضرر، امکان درک خطر و امکان ترک خطر، هشدار سبب رفع مسئولیت پلیس خواهد بود».

فهرست منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- جامپون جونوز، والتر. تی (۱۳۸۸ ش). مسئولیت مدنی در ورزش. (آقائی‌نیا، حسین. مترجم). چاپ پنجم. تهران: انتشارات دادگستر.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۴). ترمینولوژی حقوق. چاپ هفتم. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حائری، سیدعلی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸ ق). ریاض المسائل، چاپ اول. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
- حسینی شیرازی، سیدمحمد (۱۴۰۷ ق). الفقه. چاپ ششم. بیروت: چاپ دارالعلوم.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی در فقه امامیه. چاپ دوم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ ق). مختلف الشیعۀ فی أحكام الشریعۀ. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- سبزواری، سید عبد‌العلی (۱۴۱۳ ق). مهذب الأحكام. چاپ چهارم. قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله، قم.
- السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۴۱۴ ق). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ ق). الروضۀ البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر). قم: کتابفروشی داوری.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ ق). مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.

- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعة. جلد ۲۴. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ ق). تهذیب الأحكام. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- عباسلو، بختیار (پائیز و زمستان ۱۳۸۵). مسئولیت مدنی پلیس. مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۲.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ ق). تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱). قواعد فقه بخش حقوق خصوصی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سمت.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف حلی (۱۳۸۷ ق). إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- کاشف الغطاء، احمد بن علی بن محمدرضا (۱۴۲۳ ق) سفینه النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ق). الکافی. قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. چاپ دوم. بیروت: دار الکتب الإسلامية.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ ق). قواعد فقه. چاپ دوازدهم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۸۸). قواعد فقهیه. چاپ دوم. تهران: انتشارات مجد.
- میرشکاری، عباس (آبان ۱۳۹۰). نقش هشدار در مسئولیت مدنی. ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران. شماره ۱۲۲.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق). جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام. چاپ هفتم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- وینی، ژنویو؛ ژوردن، پاتریس (۱۳۸۴). همراهی فعل منتسب به خواننده و فعل زیان‌دیده. (ادیب، مجید. مترجم). مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۴۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی